کیهان

معارف
Maaref@kayhannews.ir

صفحه ۶
یک شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۱
۱۳ ربیع الثانی۱۴۳۴ - شماره ۲۰۴۳۸

اقسام گناهان و آثار وضعی آنها

■ سید عباس هدایتی

در آیـات قرآنی و همچنیـن نیایش‌ها و ادعیه ماثـور، برای هر فعلی آثار وضعی بیان شده‌است.

کار خـوب و کار زشـت آثاری در زندگی انسان به جا می‌گذارد که از آن گریزی نیست. مثلا برای صدقه آثار وضعی چون افزایش عمر، دفع بلا، رفع بلا وجلب منفعت و مانند آن بیان شده و یا در صله رحم آثاری چون افزایش عمر و در مقابل قطع رحم از خویش و اهل‌بیت(ع) کوتاهی عمر و مانند آن ذکر شده است.

امیر مومنان علی(ع) در دعای مشهور به دعای کمیل به دسته‌بندی کلی گناهان و آثار آن می‌پردازد ولی مصادیق آن را بیان نمی‌کند. امام سجاد(ع) در روایتی به تبیین این گناهان و مصادیـق آن پرداخته اسـت که نویسـنده دراین مطلب به آنها اشاره کرده وتوضیحاتی را درباره برخی از آن بیان نموده است.

***

گناهان و آثار وضعی آن

اعمال انسـانی نه تنها در امور جامعه و تاریخ نقش دارد، بلکه تاثیرات مستقیم وغیرمستقیم بر محیط‌زیست بلکه جهان و حتی هستی نیز به جا می‌گذارد. خداوند در آیه۹۶ سوره اعراف به صراحت بیان می‌کند که چگونه تقوای آدمی موجب بارندگی و برکات آسـمانی خواهدشـد. از آیـات و روایات بسیاری می‌توان این معنا را به دست آورد که مثلا عدم پرداخت حقوق مالی شـرعی و زکات موجب کاهش بارندگی و خشکسالی می‌شود. به این معنا کـه هرگناه آدمی همچنان که به عنوان یک حکم تکلیفی موجب خشـم الهی و کیفر اخروی است، دارای آثار وضعی در زندگی دنیوی نیز می‌باشد.

به عنوان مثـال پیامبر(ص) دربـاره تاثیرات گناهان در مرگ و حیات انسـان می‌فرماید: موت الانسـان بالذنوب اکثر من موتـه بالاجل و حیاته بالبـر اکثر من حیاتـه بالعمر؛ مرگ انسـان‌ها در نتیجه گناهان، بیشـتر از مـرگ آنها در نتیجه فرا رسیدن اجل است و زنده‌ماندن انسان‌ها در نتیجه نیکی‌هایشان، بیشـتر از زندگی‌کردنشان به خاطر باقی بودن عمر است. (مکارم‌الاخلاق، ص۳۶۲)

امیرمومنان علی(ع) نیز می‌فرماید: اذا ظهرت الجنایات ارتفعت البرکات؛ هرگاه گناهان و جنایات آشکار شـوند، برکت‌ها از بین می‌رود.(غررالحکم، ح ۴۰۳۰)

اما باید توجه داشـت که هر گناهی وضعیتی را موجـب می‌شـود که گناهان دیگـر آن را پدید نمی‌آورنـد. شـناخت آثـار هر گناه بـه ما کمک می‌کند تا بتوانیم به علت‌یابی بپردازیم و زمانی که با مشکل و مصیبتی مواجه شویم، بدانیم که ریشه آن، گناهی خاص اسـت که مرتکب شده‌ایم، پس می‌توانیم با توبه و اسـتغفار از آن گناهان و تغییر وضعیت در رفتار و کردار خودمان، وضعیت خود و جامعه را دگرگون کنیم. خداوند در آیه ۵۳ سوره انفـال می‌فرماید: ذلک بان‌الله لم یک مغیرا نعمته انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسـهم و ان الله سمیع علیم؛ این کیفر بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگـر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست.

همچنین در آیه ۱۱ سوره رعد می‌فرماید: برای آدمی فرشتگانی است که پی درپی، او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند. در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خـود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهدبود.

دراین دو آیه به صراحت خداوند به نقش انسان در تغییـر احوالات خود و جامعه اشـاره می‌کند و در آیـه ۴۱ سـوره روم از نقـش اعمـال آدمی در محیط‌زیست و جهان سخن به میان می‌آورد. پس بسیاری از مشـکلات و مصیبت‌هایی که دچار آن هسـتیم به سـبب همین اعمال و رفتار خودمان است. شناخت علل هر مشکل و مصیبتی از این رو لازم اسـت تا بدانیم چرا گرفتار شده‌ایم و چگونه می‌توانیم از آن رهایی یابیم.

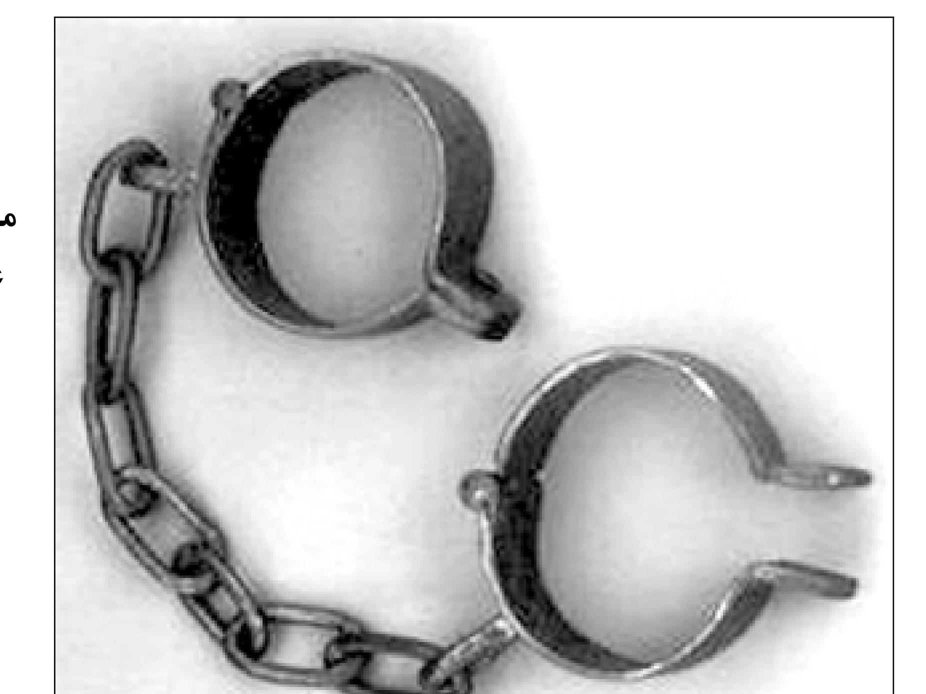

آثار گناهان

در روایات معتبـر به علل و آثار هر کار خوب و بد انسـان توجه شده و بارها به انسان‌ها گوشزد می‌شود که مواظب اعمال و رفتار خودشان باشند. امیرمومنـان علی(ع) در دعای مشـهور کمیل به دسـته بندی کلی گناه می‌پردازد واز شـرآنها به خداوند پناه می‌برد. امام(ع) گناهان را به نقمت‌زا، تغییردهنـده، نازل کننده بلا، حبس کننده دعا و مانند آن دسته‌بندی می‌کند.

آن حضرت و دیگـر معصومان(ع) به تفصیل به دسـته‌بندی گناهان پرداخته و آثار هریک را در زندگی دنیایی مردم بیان کرده‌اند.

به عنـوان نمونه امام صادق(ع) از امیرمومنان علی(ع) نقل می‌کند که ایشان فرمود:

گناهی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهد، تجاوز به حقوق دیگران است. گناهی که پشیمانی می‌آورد، قتل است. گناهی که گرفتاری ایجاد می‌کند، ظلم اسـت. گناهی که آبرو می‌برد، شـرابخواری است. گناهی که جلوی روزی را می‌گیرد، زناست. گناهی که مرگ را شتاب می‌بخشد، قطع رابطه با خویشان اسـت. گناهی که مانع اسـتجابت دعا می‌شود و زندگی را تیره و تار می‌کند، نافرمانی از پدر و مادر است. (علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۴)

امام صـادق(ع) در جایی می‌فرماید: هنگامی که چهار چیز آشـکار انجام شود، چهار چیز ظاهر می‌شـود: هنگامی که زنا آشـکار شـود، زلزله رخ می‌دهـد. هنگامی کـه ظلم و سـتم در حکومت آشکار شود، باران حبس می‌شود (نازل نمی‌شود) و هنگامـی کـه قـرارداد (ذمه) بین مشـرکین و مسـلمانان شکسته شود، اهل شرک بر اهل اسلام پیروز می‌شوند و هنگامی که زکات پرداخت نشود، نیازمندی آشکار می‌شود.

امام در دعای کمیل برخی از گناهان را عامل خشکسـالی و برخی دیگر را عامل عدم استجابت دعـا معرفی می‌کند. برخی از روایات به جزییات و مصادیق این دسته‌بندی‌ها اشاره می‌کند و مشخص مـی‌دارد که گناهانی که جلوی اسـتجابت دعا را می‌گیرد کدام گناهان است؛ یا گناهانی که موجب کوتاهی یا افزایش عمر می‌شود یا گناهان برکت‌زدا، گناهان پشیمانی آفرین، یا نقمت‌زا کدام هاست.

از جملـه روایاتی که به این مسـاله پرداخته، روایتی اسـت که از امام سجاد(ع) نقل شده است. در کتاب شرف معانی الاخبار در صفحه ۲۷۰ روایتی از امام سجاد(ع) نقل شده که به تبیین مصادیق هر دسته از گناهان می‌پردازد.

۱- گناهـان تغییردهنـده نعمـت: برخی از گناهان موجب می‌شـوند کـه نعمتی به نقمت تبدیل شـود و انسان نعمتی را از دست بدهد. امام سجاد(ع) در بیان این دسته از گناهان تغییردهنده می‌فرمایـد: گناهانی که موجب تغییر نعمت الهی می‌شوند، عبارتند از: ظلم بر مردم، کارخیری را که به آن عادت کرده یا عمل معروفی را ترک کنند و کفران نعمت و ترک شکر نماید که خداوند متعال می‌فرماید:«خداوند، حـال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم، حالشـان را تغییر دهند». از امام صادق(ع) نیز روایت است که بغی و تجاوز به حقوق دیگران موجب تغییر نعمت می‌شود. (علل الشرایع، ج۲، ص ۵۸۴)

۲-گناهان پشـیمانی‌آور: برخی از گناهان موجب می‌شـود تا انسان دچار ندامت و پشیمانی شـود. البته در بسـیاری از موارد پشیمانی سودی ندارد و به این سادگی نمی‌توان آن را جبران کرد.

این گونه نیست که تنها با عذر و پوزش خواهی و اظهار پشیمانی بتوان آن را جبران کرد و وضعیت را به حالت پیشـین آن بازگردند. امام سـجاد(ع) برخی از مصادیق این دسته از گناهان را این گونه برمی‌شمارد.

«گناهانی که موجب پشیمانی می‌شود عبارتند از: کشتن نفسی که خداوند آن را تحریم کرده است. خداوند در داستان قابیل هنگامی که برادرش هابیل را می‌کشد و از دفن او عاجز و ناتوان می‌شود، می‌فرماید: پس، از پشیمانان شد؛ (مائده، آیه ۳۱)، و ترک صله رحم- در صورتی که قادر بدان باشد- نماز را نخواند تا وقتش بگـذرد، ترک وصیت و رد مظالم و ندادن زکات تا زمانی که مرگ فرابرسد و زبان بسته گردد».

۳- گناهـان نقمت آور: «برخی از مصادیق گناهانی که نقمت و گرفتاری را موجب می‌شـود عبارتند از: معصیت کردن انسان خداشناس (ستم کردن شخص از روی آگاهی)، گردنکشی و تجاوز و دست درازی به مردم حقوق ایشان و دست انداختن و مسخره کردن مردم».

۴- گناهان دفع کننده فیوضات الهی: این گناهـان عبارتند از: « اظهار فقر و نداری، در وقت نماز عشـاء و نماز صبح خوابیدن، کوچک شمردن نعمتهای الهی و شـکایت کردن از خداوند عزیز و جلیل».

۵- گناهان عصمـت‌زدا:« برخی از گناهان، حرمت و احترام را از شخص می‌گیرد و موجبات هتک حرمت او را فراهم می‌آورد و شخص را در جامعه خوار و ذلیل می‌کند و پرده عصمت و حرمت او را می‌درد. امام سجاد(ع) مصادیق این دسته از گناهان را این‌گونه بیان می‌کند: شرابخواری، قماربازی، با سخن بیهوده و شوخی کردن مردم را بخنداند، ذکر عیبهای مردم. و با کسانی که عقاید و اعمالشان مشکوک است، نشست و برخاست داشتن».

۶- موجبـات نزول بلا: برخـی از مصادیق گناهانـی که موجب نزول بلا می‌شـود عبارتند از:

*** شناخت آثار هر گناه به ما کمک می‌کند تا بتوانیم به علت‌یابی بپردازیم و زمانی که با مشکل و مصیبتی مواجه شویم، بدانیم که ریشه آن، گناهی خاص است که مرتکب شده‌ایم، پس می‌توانیم با توبه و استغفار از آن گناهان و تغییر وضعیت در رفتار و کردار خودمان، وضعیت خود و جامعه را دگرگون کنیم.**

*** امام صادق(ع) از امیرمومنان علی(ع) نقل می‌کند که ایشان فرمود: گناهی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهد، تجاوز به حقوق دیگران است. گناهی که پشیمانی می‌آورد، قتل است. گناهی که گرفتاری ایجاد می‌کند، ظلم است. گناهی که آبرو می‌برد، شرابخواری است. گناهی که جلوی روزی را می‌گیرد، زناست. گناهی که مرگ را شتاب می‌بخشد، قطع رابطه با خویشان است و گناهی که مانع استجابت دعا می‌شود و زندگی را تیره و تار می‌کند، نافرمانی از پدر و مادر است.**

یاری نکردن کسـی کـه دادرس می‌طلبد، کمک نکـردن مظلوم و امر به معـروف و نهی از منکر را ضایع نمودن».

۷- موجبـات پیروزی دشـمنان: برخی از گناهان مردم و جامعه موجب می‌شود تا دشمنان بر جامعه مسلط شوند و جامعه نتواند در برابر دشمنان مقاومت کند و به پیروزی دسـت یابد. این گناهان چنانکه امام سـجاد(ع) می‌فرمایند عبارت است از: «آشکارا ظلم نمودن، علنی مرتکب گناه شدن، حرام را حلال شمردن، در برابر نیکان سرکشی کردن و از اشرار و بدان، اطاعت کردن».

۸- موجبات تعجیل مرگ: بسیاری از مردم به مرگ عـادی نمی‌میرند یعنـی مرگ‌های آنان مرگ اجل مسـمی نیسـت بلکه اجل معلق است. امام صادق(ع) می‌فرمودند: «نعوذ بالله من الذنوب التـی تعجل الفناء و تقرب الاجال و تخلی الدیار و هی قطیعه الرحم و العقوق و ترک البر؛ به خدا پناه می‌بریم از گناهانـی که نابودی را جلو می‌اندازد و مرگ‌هـا را نزدیک می‌کند و سـرزمین‌ها را خالی می‌کند و آنها عبارتند از قطع رحم و عاق والدین و ترک نیکوکاری. آن حضرت همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: مردم، بیشتر از آنکه با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خود زندگی می‌کنند و بیشتر از آن‌که با اجل خود بمیرند، براثر گناهان خود می‌میرند. (دعوات الراوندی، ص ۲۹۱، ح۳۳) خداوند در آیات ۳ و ۴ سوره نوح، عبادت‌گریزی و بی‌تقوایی و اطاعت نکردن از پیامبر الهی را موجب مرگ، پیش از رسیدن اجل مسمی معرفی می‌کند. به این معنا که امور سه‌گانه ترک عبادت، بی‌تقوایی و عدم اطاعت از پیامبران می‌تواند مرگ طبیعی آدمی را پیش اندازد و عمر او را کوتاه کند. بسیاری از مردم به مرگ طبیعی نمی‌میرند بلکه به سبب گناهانی است که موجب پیش افتادن مرگ ایشان می‌شود.

امام سـجاد(ع) در بیان عوامل و موجبات این مرگ‌هـای زودرس می‌فرماید: گناهانی که موجب تعجیل مرگ می‌گردند عبارتند از: قطع رحم، قسم ناحق خوردن، سخن دروغ گفتن، زنا کردن، راه‌های مسلمانان را بستن و به ناحق ادعای رهبری داشتن».

۹ - موجبـات نومیدی: برخـی از گناهان موجبات نومیدی در انسان می‌شود و امید را از دل‌ها بیرون می‌راند و شخص را به یاس و نومیدی مبتلا می‌کند. این دسـته از گناهان عبارتند از: «مأیوس شدن از لطف خداوند، ناامید گشتن از رحمت خدا، به غیر خداوند متعال تکیه کردن و وعده‌های الهی را دروغ پنداشتن».

۱۰ - گناهـان تیره‌سـاز آسـمان: برخی از مصیبت‌ها واقعا به عنوان پدیده‌های طبیعی بدان نگاه می‌شود. مثلا زلزله را به عنوان اینکه فعل و انفعالات طبیعی است درنظر می‌گیریم ولی باید توجه داشت که واقعا این‌گونه هست و نیست؛ چرا که این فعل و انفعالات می‌تواند چنان آرام و آهسته انجام گیرد که زمین زیرپای ما تکان هم نخورد چه رسد که کشت و کشتار کند و خرابی به بار آورد. حضور ریزگردها و غبارها در آسـمان کشور و مانند آن را نیز به همین عوامل طبیعی نسبت می‌دهیم یا جنگ و هجوم نظامی اشغالگران را به مساله نفت و مانند آن ربط می‌دهیم، ولی باید توجه داشت که همه اینها به شکلی به اعمال گناه آلوده ما ربط دارد. امام سـجاد(ع) درباره تیرگی آسمان و گرد و غبار آن می‌فرماید: گناهانی که آسمان را تیره می‌سازند (و موجب سلب قدرت تشخیص حق از باطل می‌گردند) عبارتند از:«جادوگری، پیشگویی، ایمان به ستارگان (بدین معنا که آنها را در سرنوشت انسان مؤثر دانستن)، قضا و قدر الهی را دروغ خواندن و عاق والدین شدن.»

۱۱ - گناهـان پرده‌دری: برخـی از گناهان موجب می‌شود تا پرده‌دری شود. این گناهان موجب نمی‌شـود تا انسان پرده‌های جهالت و نادانی‌اش را کنار بزند و چشم برزخی و ملکوتی‌اش را بگشاید، بلکه موجب می‌شـود تا پـرده عصمت و حرمت او دریده شود و در جامعه از احترام مناسب بهره‌مند نشود. امام سجاد(ع) این گناهان را عبارت از امور زیر می‌داند:« قرض کردن با این نیت که آن را نپردازد، در مخارج زندگی زیاده‌روی کردن، بخل ورزیدن در پرداخت مخارج زندگی خانواده و فرزندان و نزدیکان، بداخلاقی، کم‌طاقتی، بی‌قراری و تنبلی. و دینداران را خوار دانستن».

۱۲- گناهـان بازدارنـده از اجابـت دعا: بسیاری از مردم همواره از این‌که دعایشان مستجاب نمی‌شود و بی‌جواب می‌ماند شکایت دارند؛ اما آنان باید ریشه این مشکل را در خودشان بجویند. امام سجاد(ع) در این‌باره می‌فرمایند: گناهانی که موجب برگشتن دعا می‌شود عبارتند از: «نیت بد داشتن، پلیـدی، باطن، با بـرادران دینـی دورویی و نفاق داشـتن، برادران دینی را با تـرک اجابت تصدیق نکـردن، و نمازهای واجـب را به تأخیر انداختن تا وقتشان بگذرد».

۱۳- گناهـان باران‌زدا: بـاران هر چند که به عنوان یک امر طبیعی دانسـته می‌شـود، ولی ایـن هم مانند زلزله ارتباط با اعمال انسـانی دارد. خشکسالی‌ها بیش از آن‌که ارتباط با تغییرات آب و هوایی داشته باشـد، به گناهان ما بستگی دارد. امـام برخی از مصادیق گناهانی که موجب کاهش بارندگی و یا قطع آن می‌شود را چنین بیان می‌کند: جور حاکم شـرع در قضـا و داوری، گواهی دروغ، کتمـان شـهادت و گواهی، نـدادن زکات و قرض و حقوق مالی، قسـاوت قلب نسـبت به اهل فقر و نداری، ظلم در حق یتیم و بیوه‌زنان، و راندن سائل و برگرداندنش در شب.

چراغ راه

شاخص‌های مقاومت در مسیر خیر

قال الامام السـجاد(ع): یا ابن ادم! انک لاتزال بخیر ماکان لک واعظ من نفسک و ماکانت المحاسبة من همک و ماکان الخوف لک شعاراً والحذر لک دثاراً.

امام سـجاد(ع) فرمود: ای فرزنـد آدم! همانا تو پیوسته در مسیر خیر هستی مادام که پند دهنده‌ای از درون داشته باشی و محاسبه نفس مورد اهتمام تو و خوف از خدا و احتیاط در زندگی سرلوحه کارهای تو باشد.[1]

۱- تحف العقول، ص ۲۸۰

حکایت خوبان

از مو باریک تر و از لبه شمشیر تیزتر

صحابی بزرگـوار جابربن عبـدالله انصاری نقل می‌کند که ما پیش پیامبر(ص) نشسته بودیم، پیامبر گرامـی(ص) خطی این گونه (مسـتقیم) در برابرش ترسـیم کرد، سپس دو خط از طرف راست و دو خط از طرف چپ کشیدند، آنگاه فرمودند: اینها راه شیطان اسـت. سپس دست مبارک را روی خط وسط نهاد و این آیه را تلاوت فرمود: «وان هذا صراطی مسـتقیماً فاتبعوه» بدرستی که این خط من است که مستقیم اسـت، پس از آن پیـروی کنیـد.[1] بنابراین صراط مستقیم که انسان در نماز طالب آن است همین مسیر اعتدالی اسـت. مانند این سخن را نیز امام صادق(ع) در تعریف صراط فرموده‌اند: «هوادقّ من الشعر و احدّ من السـیف» صراط مستقیم، از مو باریک تر و از لبه شمشیر تیزتر است.[2]

۱- تفسیر الدرالمنثور، ج ۳، ص ۵۶
۲- بحارالانوار، ج ۸، ص ۶۴

پرسش و پاسخ

راه آفاقی شناخت خدا

پرسش:

راه آفاقی در شناخت و معرفت توحیدی که در قرآن کریم به آن تاکید شده چیست و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

پاسخ:

بسیاری از آیات قرآن کریم انسان را به مطالعه و تفکر در اسرار طبیعت و نظم محیرالعقول جهان، تفکر در آفرینش آسمانها، زمین، کوهها، دریاها و حیوانات و... دعـوت می‌کند و این خود یکی از راههای نیل به توحید و معرفت خداسـت، راهی که انسـان عاقل و منصف را موحد می‌کند، مثلا می‌فرماید: اوسـت که آسمانها و زمین را پدید آورد (هود-۷) اوست که نظم ریاضی اختران را تامین می‌کند (یس-۴۰). اوست که نظم فصول چهارگانه (فصلت-۱۰) و آمد و رفت شب و روز (یونس-۶) را پدید می‌آورد.

اوست که انسان را از خاک و گل آفرید و به این شکل زیبا در آورد (غافر-۶۷)

خداوند کسی است که هر چیز را خلقتی که در خور اوست داده، سپس وی را به سوی هدف خلقتش هدایت کرده است. (طه-۵۰) آن خدایی است که هر چیزی را آفرید، نیکو آفرید (سجده-۷)

هر چیزی را به اندازه خلق کرد و آن را به سوی هدف معین هدایـت نمود (اعلی-۳) و آیاتی دیگر از این دسـت که در قرآن کریم برای شـناخت خداوند مطرح شـده است. از عمده‌ترین ویژگی‌ها و امتیازات راه آفاقی نسـبت به راههای دیگر، آسانی و قابل فهم بودن آن برای همگان اسـت، زیرا پیمودن این راه به مبـادی عمیق و بحثهای پیچیـده فنی و برهان‌های سنگین فلسفی نیاز ندارد و انسان با دور بودن از هوا و هوس و سیر اجمالی در عالم طبیعت، به وجود «الله» و یگانه بودن او و سایر صفات وی پی خواهد برد: «ان فی خلق السـموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار لایات لاولی الالباب» قطعا در آفرینش آسمانها و زمین و پی‌درپی آمدن شب و روز، برای صاحبان خرد و تعقل نشانه‌هایی است. (آل عمران-۱۹۰)

عمق و اثر عملی این راه سهل و عمومی، نسبت به راههای دیگر کمتر است. در این راه مشکلات بیرون حل می‌شود، کیفیت آفرینش آسمان و زمین روشن می‌گردد، از امکان و حدوث آنها، به هسـتی واجب و قدیم و از حرکت عالم، به وجود محرک بی‌حرکت آن پی خواهیم برد و از نظم آنها به ناظم باشعور استدلال می‌شود ولی تحول درونی و سیر و سلوک قلبی حاصل نخواهد شد.

در این سیر آفاقی، راه غیر از رونده و غیر از مقصد است، سالک، انسان جستجوگرو راه تفکر در جهان آفرینش، روابط، حرکت، نظم و خصوصیات آن است و مقصد برین، همان محرک بی‌حرکت، ناظم باشعور، قدیم ازلی و سرمدی است.

درباره این راه دو نکته گفتنی اسـت: یکی اینکه بررسی مفهومی و تحلیل علم حصولی پیرامون آیات آفاقی، یکسـان نیسـت و نتایج آن نیـز همتای هم نخواهـد بود، از این رو ثمرات این سلسـله از براهین آفاقی متنوع خواهد بود، به گونه‌ای که برخی مطبوع و بعضی دلپذیرتر می‌باشد.

نکته دوم اینکه آیاتی از قرآن کریم که عهده‌دار تبیین آیات آفاقی است، تعبیرهای متفاوتی دارند. به طـوری که در آنها گاهی از وحدت به کثرت و زمانی از کثرت به وحدت سخن به میان می‌آید، و گاهی در آنها از تفکر و زمانی از تعقل یاد می‌شود.

سلوک عارفانه

تفاوت ایمان و اعتقاد

(بدان ای سـالک عزیز!) فرق اسـت بین ایمان با اعتقادات عقلی. اگر عقل سـلیم بر طبق سلامتش عمل کند و محصولش وارد دل شود، «ایمان» به وجود می‌آید و اگر وارد دل نشود، در معنای عمومی به آن «اعتقاد» می‌گوییم. لذا ممکن است انسان نسبت به یـک امر چندین برهان عقلی غیرقابل انکار هم اقامه کند، ولی خودش طبق آن عمل نکند، چون وارد دلش نشـده است. اگر وارد دل شود، ایمان است و اثرگذار خواهد شد. در روایتی آمده است که پیغمبر اکرم(ص) به حضرت علی(ع) فرمود: بنویس! حضرت فرمود چه بنویسم؟ پیغمبر(ص) فرمود: بنویس: «بسم‌الله‌الرحمن الرحیـم، الایمان ما وقرفی‌القلوب و صدقته الاعمال» (بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۰) یعنی جایگاه ایمان در قلب است و اعمال بیرونی، آن را تصدیق می‌کند. پس ایمان جزء واردات قلبی است. تا در دل نرود ایمان نیست. از امام هشـتم(ع) روایت است که فرمود: «الایمان عقد بالقلـب» (بحارالانوار، ج ۶۶ ص ۶۵) حضرت نفرمود: «درک بالعقل» بلکه فرمود: «عقد بالقلب» یعنی ایمان یک گره قلبی است، نه یک ادراک عقلی.(۱)

۱- سـلوک عاشـورایی، آیت‌الله شـیخ مجتبی تهرانی، منزل چهارم، ص ۳۴

بررسی روحیه یاس و ناامیدی به عنوان یکی از جنود ابلیس

عاقبت زان در برون آید سری

■ سیدعلی حسینی

نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه به جهان هستی و زندگی یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و تکامل هر جامعه‌ای به حساب می‌آید. در نقطه مقابل یاس و ناامیدی نیز یکی از مهم‌ترین حربه‌های شیطان در به انحراف کشاندن و گمراهی انسان و انحطاط جوامع تلقی می‌گردد. نوشتار حاضر درمقام تبیین مذمت روحیه یأس و ناامیدی در حیات فردی و اجتماعی انسان براساس آیات و روایات است که اینک تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

از رحمت خدا ناامید نشوید

یکـی از عوامل پیشـرفت هر جامعه انسـانی داشتن امید و مایوس نشدن از انجام کارها می‌باشد که اثرات جدی و تاثیرگذاری در پیروزی و به سامان رساندن مشکلات در همه زمینه‌ها دارد. قرآن مجید کتاب آسـمانی ما مسـلمانان مطالب مهمی را در زمینـه امید و توجه جدی به آن و دوری از یاس و اثرات مثبت جامعه دارای امید بیان می‌فرماید که به چند نمونه اشاره می‌نمایم: ۱-در سوره انبیاء آیه ۹ خداوند متعال به حضـرت زکریای پیامبر(ص) می‌فرمایـد: زمانـی کـه پـروردگارش را خواند و درخواست کرد که او را تنها نگذارد و فرزندی به او عطا فرمایید خداوند بوسیله دادن فرزند به او که در حال بیم و امید خداوند را می‌خواند حیات و زندگی دیگری بخشـید ۲-در سـوره زمر آیه ۳۵ خداوند متعال به بندگانـش می‌فرماید! از رحمت خداوند ناامید نشـوید زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است ۳- در سـوره یوسف آیه ۷۸ می‌فرمایند از رحمت خداوند مایوس نشـوید زیرا فقط گـروه کافران از رحمت حق مایوس هسـتند. ۴-در سوره بقره آیه ۹۴۲ در رابطه بـا قوم طالوت ضمن امید دادن به آنها می‌فرمایند: چه بسیار گروه‌های اندک هستند که به فرمان خداوند بر گروه‌های بزرگی پیروز شدند.

در بحارالانـوار جلد ۴۷ صفحـه ۷۵۱ از قول رسـول خدا(ص) آمده اسـت: امید برای امت من رحمت است زیرا اگر امید و آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شـیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌نشاند.

از قـول امام صادق(ع) در اصول کافی جلد ۲ صفحه ۷۶ آمده است: همانا بنده‌ای نیست مگر اینکه در دل او دو نور است نور ترس و نور امید اگر یک طرف افزون شود به طرف دیگر اضافه نخواهد نشد.

در بحارالانوار جلد ۲۵ صفحه ۳۲۱ از قول امام علی(ع) آمده است: در انتظار فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید.

در تحـف العقـول صفحه ۶۰۳ از قـول امام صادق(ع) آمده اسـت: امروز در دنیا کاری کن که به وسـیله آن امید رستگاری در آخرت داری! و در اصول کافی جلد۲ صفحه۲۷ از قول امام صادق(ع) آمده‌اسـت: خوش‌گمانی این اسـت که جز به خدا امیدوار نبوده و جز از گناهت نهراسی.

در کتـاب صحیفه نور جلـد ۸ صفحه ۸۵۱ حضرت امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

یکی از جنود ابلیس یأس اسـت در اموری که انسان باید با امید و طمانینه و تسلیم عمل بکند و شیاطین ایجاد یأس می‌کنند و با این ایجاد یأس جوان‌های ما را در آن مسائلی که با تصمیم جدی پیش بردند گاهی سست می‌کنند... من هیچ وقت مأیوس از مسائل نبودم.

و در صحیفـه نور جلد ۵۱ صفحه۲۹ از قول آن حضرت آمده‌اسـت: هیـچ وقت کلمه یأس را در ذهنتـان وارد نکنید که این از جنود شـیطان است. یأس از جنود شیطان است، یعنی شیطان در شـما القا می‌کند این شیاطین هم که همان تابع شیطانهای بزرگ تر هستند همین‌ها می‌خواهند با این کارها یأس ایجاد کنند در صورتی که مسلمانی که می‌خواهند برای اسلام کار بکند چرا مأیوس باشد و در فرمایش دیگری می‌فرماید:

شـرط اصلی فعالیت درست شـما در جبهه جنگ نرم، یک نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه است من نگاهم به آینده خوش بینانه اسـت نه از روی توهـم بلکه از روی بصیرت، شـما جوانید مواظب باشـید نگاهتان به آینده نگاه بدبینانه نباشد نگاه امیدوارانه باشد نه نگاه نومیدانه.

استغفار محمد عبده

نقل می‌کنند که شیخ محمد عبده در محضری گفت: من از اصلاح امت اسلامی مأیوسم. بانویی از حضار که از بیگانگان بود گفت: عجب دارم که این کلمه شوم (یاس) از دهان شیخ بیرون جست. شیخ هشیارشد فوری استغفار کرد و زن را تصدیق نمود که حق می‌گویی.

مولانا در دفتر اول مثنوی خود خبر داده‌است کـه خداوند دیو ناامیـدی را از بین برده. دلیل آن را نیز بی‌درنـگ می‌گوید: چون بی‌گناه و معصیت طاعت شده‌است.

اشاره‌او در این سخنان به آیه هفتاد سوره فرقان اسـت: آنجا که خداوند فرموده‌است؛ کسی که توبه کنـد و ایمان آورد کار نیکو کند خداوند بدی‌های آنان را به نیکی‌ها مبدل می‌کند.

همچنین گوشه چشمی دارد به آیاتی از قرآن که انسان را از یاس نهی کرده و امید را پیش روی او نهاده‌اسـت. مانند «ولا تیاسوا من روح‌الله انه لا یاس من روح الله الا القوم‌الکافرون» - و نومید مباش از رحمـت خدا که تنها کافـران از رحمت خداوند ناامیدند و در ادامه مطلب می‌گوید:

حق‌تعالی وحی فرستاد به یعقوب(ع) دانی که یوسـف(ع) را چندین سال چرا از تو جدا کردم؟ از آن که گفتی: ترسـم که گرگ وی را بخورد چرا از گرگ بترسیدی و به من امید نداشتی و از غفلت برادران وی بیندیشیدی و از حفظ من نیندیشیدی و در همـان کتاب آمده علی(ع) یکی را دید نومید از بسـیاری گنـاه خویش گفت: نومید مشـو که رحمت او از گناه تو عظیم‌تر اسـت و از رسول یک روز گفت: اگر شما آنچه من می‌دانم بدانید بسیار گریید و اندک خندید و به صحرا شـوید و دسـت به سـینه می زنید و زاری می‌کنید. پس جبرئیل بیامد و گفت: خدای تعالی می‌فرماید: چرا بندگان مرا ناامید می‌کنی از رحمت من؟ پس بیرون آمد و امیدهای نیکو داد از فضل خدای تعالی و در مطلبی دیگر می‌گوید.

مردم را ناامید نکنید!

در خبر است که یکی از بنی‌اسراییل مردمان را از رحمت خدای تعالی ناامید کردی و کار بر ایشان سخت گرفتی روز قیامت خدای تعالی با وی گوید: که من امروز از نعمت خویشتن تو را چنان ناامید کنم که تو بندگان مرا از رحمت من نومید کردی.

عطار در منطق‌الطیر صفحه ۶۸۱ نوشته‌است:

بیخودی می‌گفت در پیش خدا
کای خدا دری بر من گشای
رابعه آنجا مگر بنشسته بود
گفت: ای غافل کی این در بسته بود؟

و در دفتر سوم مثنوی معنوی آمده:

سایه حق بر سر بنده بود
عاقبت جوینده یابنده بود
گفت پیغمبر که چون کوبی دری
عاقبت زان در برون آید سری
چون زچاهی میکنی هر روز خاک
عاقبت اندر رسی در آب پاک
انبیاء گفتند نومیدی بد است
فضل و رحمت‌های باری بی حد است
از چنین محسن نشاید ناامید
دست در فتراک این رحمت زنید
بعد نومیدی بسی امیدهاست
از پس ظلمت دوصد خورشیدهاست

و در دفتر دوم مثنوی معنوی آمده است:

سوی نومیدی مرو امیدهاست
سوی تاریکی مرو خورشیدهاست
ناامیدی‌ها به پیش او نهید
تا زدرد بی دوا بیرون جهید

***هیچ وقت کلمه یأس را در ذهنتان وارد نکنید که این از جنود شیطان است. یعنی شیطان در شما القا می‌کند این شیاطین هم که همان تابع شیطانهای بزرگ تر هستند همین‌ها می‌خواهند با این کارها یأس ایجاد کنند در صورتی که مسلمانی که می‌خواهد برای اسلام کار بکند چرا مأیوس باشد**

و امروز برادر و خواهر مسـلمان و هموطنان عزیز و شـریف و غیرتمند به فضل پروردگار عالم و با تاسـی به مکتب حیات بخش اسلام و وحدت کلمه امت مسـلمان و مـردم مومن که امام راحل عظیم‌الشـان(ره) این مردم را از مردم زمان رسول خدا (ص) و امام علی (ع) بالاتر دانسـتند و تحت رهبری‌هـای پیامبـر گونه آن عزیز سـفر کرده که همیشه به جامعه امید می‌داد نظام مقدس جمهوری اسـلامی در این کشور اسـتقرار یافته است. بعد از ارتحال آن ابر مرد تاریخ جانشـین خلف و شایسته آن حضرت مقام معظم رهبری مدظله العالی مثل جدش علی ابن ابی طالب (ع) که راه رسـول خدا (ص) را ادامه داد دارد کشور را با جدیت و قدرت و عظمت و اقتدار به سمت و سوی قله‌های پر افتخار سعادت هدایت و رهبری می‌نماید.

*** رسول خدا(ص) : امید برای امت من رحمت است زیرا اگر امید و آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌نشاند.**

دشمنان در پی مأیوس کردن مردمند

امروزه ایران اسلامی به عنوان یک قدرت بزرگ و ام‌القری جهان اسلام و تاثیرگذار جدی در سطح بین‌المللی به حسـاب می‌آید. دشـمنان چون در جنگ سخت نتوانستند این هدیه الهی نظام مقدس جمهوری اسلامی را از بین ببرند از طریق جنگ نرم که از جمله آنها یاس و نومیدی و ترویج آن در سطح جامعه به ویژه برای نسل جوان می‌باشد درصدد کم رنگ کردن اثرات بزرگ مخصوصا امید به پیروزی این انقلاب در همه ابعاد بویژه بعد از بیداری اسلامی در کشورهای عربی و جنبش‌های مردمی در غرب برآمده‌اند، باید همه از صدر تا ذیل هوشـیار باشیم و بیـدار و نگذاریم با ایجاد تردید و یاس و ناامیدی دشمن نظام مقدس جمهوری اسلامی را که هزاران سال آرزوی آنرا می‌کردیم و خون‌های زیادی برای آن داده‌ایم خدشه‌ای وارد کند اسلام دین امید دوری از یاس و نومیدی است.

دسـتور قرآن امیدواری در همه زمینه‌ها بوده ائمه معصومین (ع) سـفارش های فراوانی در این زمینه‌ها داشـته و امام راحل (ره) با همین روش و برنامه رژیم ستم شاهی را سرنگون کرد و امروزه مقام معظم رهبری همان راه امید و توجه جدی داشتن به آینده امیدوار کننده‌ها را نوید می‌دهد. ان شاءالله همه ما با توجه به مجموعه برنامه‌ها مثل گذشته در همین مسـیر گام برداشته تا بتوانیم بنابر فرمایش حضرت ایشـان از گردنه‌های سخت عبور نموده و کشور را به حد اعلای سعادت و ترقی برسانیم که در خیلی از زمینه‌ها این گونه شده و در بقیه موارد هم به فضل پروردگار عالم و عنایات خاصه حضرت ولی عصر(عج) این گونه خواهد شد.